



مهدی بقایی و زهره جوانمرد ۱۰ سال پیش زندگی مشترکشان را خیلی بی‌ریا شروع کردند

## عروسی به سبک سادگی

۵۰۴



۶

ابو القاسم جوان با ۶۲ سال  
کار در عینک‌سازی یکی  
از قدیمی‌های این رشته  
در مشهد است

ویترینی زیبا  
برای چشم‌ها



۷

نظارت پلیس افزایش می‌یابد

۷

رضایت استاد بهترین مدال قهرمانی است



## خیابان شهید بخارایی شب‌ها با ترافیک سنگینی روبه‌روست نظارت پلیس افزایش می‌یابد



حسین برداران فرار هر لحظه تعداد خودروهایی که از خیابان‌های فرعی به شهید بخارایی وارد می‌شوند در حال افزایش است. باغروب آفتاب ترافیک سنگین‌تری می‌شود. خودروهای پارک کرده در دو طرف خیابان، مشکل ترافیک و تردد خودروهای گذری را دوچندان کرده است. اینجا خیابان شهید بخارایی در محله راهنمایی است و رانندگان هنگام عبور از آن با ترافیک سنگین و کلافه‌کننده‌ای روبه‌رو هستند.

### تردد و ترافیک سنگین عصر گاهی

خیابان شهید بخارایی یکی از پرترددترین خیابان‌های محله راهنمایی است و هر روز عصر شاهد تردد خودروهای بسیاری در این خیابان هستیم. مهدی جاغری یکی از ساکنان خیابان بخارایی می‌گوید: ورودی خیابان شهید بخارایی از سمت خیابان احمدآباد به دلیل یک طرفه بودن، ترافیک روانی دارد اما خیابان‌های فرعی آن دو طرفه است و خودروهای بسیاری برای رفتن به سمت خیابان شهید کلاهدوز و خیابان احمدآباد از این مسیر استفاده می‌کنند. در واقع دو طرفه بودن خیابان باعث ترافیک سنگین شده است. او ادامه می‌دهد: بیشترین تردد خودروها و رانندگان از حوالی عصر شروع و تا شب ادامه دارد. با ورود خودروها از خیابان‌های راهنمایی و سلمان فارسی شاهد گره ترافیکی سنگینی هستیم که تا ساعت‌ها ادامه دارد. بوق زدن‌های مکرر مردم راضی کرده و حتی در برخی مواقع سبب نزاع و جرح و بحث شده است.

### پارک خودروها در دو طرف خیابان

سعید صدیقی یکی از رانندگان است که از این خیابان در حال عبور است. او می‌گوید: علاوه بر رانندگان حاضر در خیابان شهید بخارایی، رانندگان خیابان‌ها و فرعی‌های مجاور نیز به این خیابان آمده و خودروهای خود را در دو طرف پارک می‌کنند و دیگر حتی جابری عبور دو خودرو باقی نمی‌ماند. به ویژه زمانی که بخواهد خودرویی از محل پارک خارج شود چون مسیر پارک است و جای کافی برای بیرون آمدن و جایه جاشدن ندارد وضعیت ترافیک بدتر می‌شود. حتی امکان تصادف خودروهای در حال حرکت با این خودروهای پارک شده نیز بیشتر است.

### پیشنهادی برای کاهش ترافیک خیابان

زهرا اشعری با عضو شورای اجتماعی محله راهنمایی، می‌گوید: درباره مشکل ترافیک این خیابان پیگیری کرده ایم و پیشنهاد مطرح کرده ایم. طرح اول یک طرفه کردن خیابان است و این کار می‌تواند تا حدودی مشکل ترافیک را حل کند. در این صورت مردم می‌توانند از این خیابان وارد و از خیابان مجاور سلمان فارسی یا راهنمایی خارج شوند. پیشنهاد دیگرمان این است که اجازه پارک فقط در یک طرف خیابان به مردم داده شود.

### ضمانت اجرایی پلیس لازم است

رئیس اداره ترافیک شهرداری منطقه یک می‌گوید: برای کم کردن ترافیک این خیابان ورودی‌های فرعی خیابان راهنمایی و کلاهدوز یکی در میان مسدود شده است. در گذشته نیز طرح یک طرفه کردن خیابان مطرح شد اما چون این خیابان نقش مهمی در تردد خودروها به خیابان راهنمایی، احمدآباد و کلاهدوز دارد اداره ترافیک با اجرای طرح موافقت نکرد.

حسین برداران فرار هم چنین درباره پارک خودروها در دو طرف خیابان می‌گوید که هر جا لازم بوده تا بیلو توقف ممنوع نصب شده است. اما راننده‌ها بدون توجه به این تا بیلوها خود را پارک می‌کنند، در واقع این تا بیلوها چون ضمانت اجرایی پلیس راهنمایی و رانندگی را ندارند چندان جدی گرفته نمی‌شوند.

### شهرداری مسیرهای مشکل‌دار را معرفی کند

سرهنگ ابراهیمی، مسئول اداره راهنمایی و رانندگی منطقه یک نیز در این زمینه بیان می‌کند: شهرداری مسیرهای مشکل‌دار را اعلام کند. هر جا تا بیلو توقف ممنوع نصب کرده ایم ما اعلام کنید تا ما موران ما حاضر شوند و با جریمه یا انتقال خودروها را به پارکینگ از گره ترافیکی کاسته شود.

رد پای کنده کاری‌ها بر آسفالت شهرک حجت (عج)

## اخطار به شرکت‌های خدماتی



حسین برداران فرار همین چند روز پیش پسر خردسالی از روی دو چرخه به زمین افتاده و با سروصورت زخمی به خانه برگشته است. علت زمین خوردن پسرک کنده کاری‌هایی بوده که بدون توجه و پرکردن رها شده است. اینجا محله شهرک حجت (عج) است. محله‌ای که کنده کاری‌های مکرر و رها شدن آن توسط شرکت‌های خدماتی برای اهالی دردسرساز شده است.

### کنده کاری‌های مکرر آسفالت

کنده کاری و فرورفتگی آسفالت از دور هم به چشم می‌آید. محمد شیخانلو یکی از ساکنان این محله می‌گوید: انگار کندن‌های مکرر و طولانی مدت هیچ وقت تمامی ندارد. مأموران شرکت آب می‌آیند و جایی را می‌کنند و می‌روند. هنوز مدتی نگذشته مأموران شرکت گاز به سراغ خیابان می‌آیند و دوباره کمی آن طرف‌تر را می‌کنند و همین‌طور این ماجرا ادامه دارد. با این وضعیت نابسامان آسفالت‌ها که خود به خود شکسته و قدیمی است، این کندن و آسفالت شکافی‌های پی‌درپی شرکت‌های خدماتی هم قوز بالا قوز شده است و یک جای سالم برای آسفالت باقی نمانده است. چرا کابل‌گذاری‌ها و لوله‌کشی‌ها را یک باره انجام نمی‌دهند که همه چیز تمام شود. مسئولی که می‌داند این لوله‌کشی‌ها و آب‌جوب‌کشی‌ها این خیابان و کوچه نیست و جمعیت ساکن نیز هر روز در حال بیشتر شدن است یک لوله بزرگ تر و مناسب بگذارد که لااقل تا چند سال احتیاج به کندن آسفالت و لوله‌گذاری دوباره نباشد.

### مشکل گودال‌های رها شده

محمد علی کسرابی دیگر ساکن محله حجت می‌گوید: چون چاله‌های رها شده زیرسازی و روسازی مناسبی ندارند با اولین بارندگی تبدیل به چاله‌های پر از آب می‌شوند. بارفت و آمد خودروها این آب جمع شده به سروصورت عابران می‌پاشد. این تازه بهترین حالت ممکن است. در فصل بارندگی آب به لایه‌های زیرین خاک نفوذ کرده و سبب فروکش کردن آسفالت می‌شود.

### لزوم نظارت بیشتر بر بهسازی‌ها

محمد رضامحسینی، عضو شورای اجتماعی محله شهرک حجت (عج) می‌گوید: بیشترین کندن‌ها در دست پیمانکاران خصوصی و نیروهای روزمزد است. شرکت‌های مربوط به بهسازی دوباره کنده کاری‌ها نظارت چندانی ندارند. ما از شهرداری به عنوان متولی شهر انتظار داریم که با این وضعیت آسفالت‌های قدیمی و کهنه از این بی‌توجهی‌ها جلوگیری کند.

### خودمان چاله‌ها را پر می‌کنیم

رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲ درباره این مشکل گفت: صدور مجوز آسفالت شکافی بر عهده شهرداری منطقه است و شرکت مربوط بعد از تقاضای این امر و گرفتن مجوزهای لازم موظف است آسفالت شکافی را در موعد مقرر انجام دهد. بعد از آن نیز باید زیرسازی مناسب و آسفالت اتفاق بیفتد.

میلاد کوهیار ادامه می‌دهد: در این موارد در صورت تأخیر اخطارهایی برای شرکت مربوط فرستاده می‌شود و در نهایت اگر چاله خطر آفرین بود، شهرداری با هزینه خود گودال یا چاله را آسفالت می‌کند. درباره موضوع یاد شده به شرکت‌ها اخطار می‌دهیم. اگر برای مرمت آسفالت اقدام نشود خودمان انجامش می‌دهیم.

پاتوق محله امام سجاد (ع) برگزار می کند

## فراخت؛ رویداد دختران پیشران

فرازمزی پاتوق محله امام سجاد (ع) وابسته به مسجدی به همین نام از سال گذشته کارش را آغاز کرده است. این پاتوق محله قصد دارد رویدادی شهری با نام فراخت یا همان دختران پیشران را برگزار کند. حسین صادقی مسئول این پاتوق محلی است. او در گفت و گو با شهرآر امحله در باره اهداف و رویکردهایشان در این رویداد می گوید: یکی از موضوعات و گزاره های فردی و اجتماعی که دستخوش تغییر شده مفهوم زن است. بنیاست به واسطه گفتمان دختران پیشران، الگویی سوم از زن مسلمان ارائه شود که نه شرقی و نه غربی است. الگویی که زن در جایگاه درست خود قرار می گیرد. این جایگاه از سویی تربیت کننده نسل آینده است و از سویی دیگر کنشگر در مسائل اجتماعی.

او ادامه می دهد: ارائه الگوی سوم زنان نیاز به جریان عظیمی دارد که باید در حوزه مفهوم سازی و عینیت بخشی اقدامات متعددی برایش شود. باید کار از جایی شروع شود، ماهم در سطح خودمان می خواهیم در این راه گام برداریم.

صادقی ادامه می دهد: برای تحقق این معنا چند موضوع باید رقم بخورد. ماسعی کردیم در این رویداد به تقویت فهم کنشگری با موضوع حضور زنان و دختران در جامعه. فراهم کردن بستری کنشگری دختران و اقدام در زمینه رفع مسائل اجتماعی با برگزاری گفتمان گام برداریم.

مسئول پاتوق امام سجاد (ع) ادامه می دهد: رویکرد مادر این برنامه این گونه است که مجموعه ها و تشکلهای دخترانه و افراد دغدغه مند در زمینه مسائل اجتماعی در محله شناسایی شده و به این برنامه دعوت می شوند.

برای این دختران، کلاس ها و کارگاه هایی با حضور استادان مجرب برگزار می شود. صادقی در باره زمان برگزاری این رویداد گفت: ثبت نام تا ۱۸ تیرماه ادامه دارد و بانوان علاقه مند می توانند برای شرکت در این دوره آموزشی به بولوار سجاد، امین شرقی مراجعه کنند. زمان برگزاری این دوره نیز ۲۴ تیرماه است.

کارشناس دوام ثامن منطقه ۲ از روش آمادگی این گروه می گوید

## تمرین در پارکها باهدف آموزش همگانی



حسین برادران فرانبروهای دوام ثامن یاهمان نیروهای داوطلب و کنش اضطراری برای اینکه همیشه آمادگی لازم برای مقابله با حوادث و بلاهای طبیعی را داشته باشند، به طور دوره ای هفتگی و ماهانه تمریناتی را اجرامی کنند. در همین رابطه با کارشناس دوام ثامن منطقه ۲ در باره لزوم این تمرینات و چگونگی انجام آن گفت و گو کردیم.

### ● تمرینات هفتگی برای آمادگی بیشتر

روح... علی اکبری یابیان اینکه گروه داوطلبان و کنش اضطراری محله یادوام ثامن منطقه ۲، دارای ۲۰ عضو ثابت است گفت: همه این افراد با گذراندن دوره های مختلف امداد و نجات مدرک خود را دریافت کردند. با وجود این از لحاظ آمادگی در یک سطح قرار ندارند تعدادی ورزشی و کنش و عملکرد ضعیف تری دارند. برای آنکه این آمادگی در سطح

## پیاده روی در محله قدس

سرپرست شهرداری منطقه ۲ مشهد از پیشرفت ۸۵ درصدی پروژه بهسازی پیاده روی خیابان شهید محمدزاده ۶۰ و ۶۰ واقع در محله قدس، به مساحت تقریبی هزار و ۶۰۰ مترمربع خبر داد.

سیدعلی حسین پورگفت: پروژه پیاده روی معبر شهید محمدزاده که از پرترددترین معابر این محله است از پروژه های پیشنهادهای شهروندان این منطقه و پروژه های بازآفرینی است که با هزینه ای بالغ بر ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال در حال انجام است.

## احداث فضای سبز

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ گفت: در مطهری ۷۱۷ فضای سبز با اعتباری بیش از ۲۴ میلیارد ریال در حال احداث است.

محسن قره خانی افزود: این بوستان به مساحت سه هزار و ۶۰۰ متر است و پیشرفت فیزیکی ۶۵ درصدی داشته است. او بیان کرد: شهرداری منطقه ۲ با هدف افزایش سرانه فضای سبز در منطقه، اقدام به احداث فضای سبز در بولوار مطهری کرده است.

## آسفالت معابر در «نجف»

۲۵ مورد لکه گیری آسفالت به مساحت ۴۰۰ مترمربع در خیابان نجف انجام شد.

در راستای توجه به درخواست های شهروندان در مدیریت شهری و ایجاد اعتماد عمومی به شهرداری، لکه گیری آسفالت در خیابان نجف انجام شد. این درخواست در ملاقات اعضای شورای اسلامی شهر و شهردار منطقه با اهالی این محله مطرح شده بود.

## قلع بنا در محله فدک

ساخت و ساز ملکی در محله فدک به دلیل فک غیرمجاز بلمب و ادامه تخلف قلع شد. بر پایه این خبر، این ملک به صورت پنج طبقه بالای پیلوت ساخته شد. مصدوم کپس از صدور رأی توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ و سایر مراحل قانونی بنای احداثی در پیلوت و طبقات ۴ و ۵ قلع شد. شهرداری در این زمینه از شهروندان خواست قبل از خرید ملک از آخرین وضعیت آن از استعلام گرفت و آگاه شوند.

رسیدن به منطقه حادثه دیده ابتدا باید مستقر شوی و چادر امداد و نجات را برپا کنی. مرحله دوم احیای قلبی است. بعد از پیدا کردن مجروح اولین اقدام تست علائم حیاتی مصدوم مثل نبض و قلب است. این مرحله توسط افراد روی یک مانکن انجام می شود. این کارشناس در ادامه گفت: مرحله سوم حمل مصدوم است. حمل مصدوم انواع مختلفی دارد که شامل حمل با برانکار، حمل با صندلی، حمل دو مچی و حمل چهار مچی است. مجموعه اقداماتی که گفته شد پروسه کامل امداد و نجات مصدوم تا محل امن را در بر می گیرد. روح... علی اکبری افزود: همچنین هر هفته با حضور در یکی از ایستگاه های آتش نشانی، عملیات اطفای حریق با حضور داوطلبان دوام ثامن انجام می شود تا آن ها بتوانند به عنوان نیروی واکنش سریع نجات دهنده جان مصدومان قبل از رسیدن نیروهای امدادی باشند.

مطلوب و استاندار دارند و باید بتوانند در زمان خطر واکنش بموقع و سریعی داشته باشند به طور هفتگی یا ماهانه همان آموزش ها را تکرار می کنیم. برای بهره و استفاده شهروندان، این تمرینات در فضای باز پارک ها و بوستان های منطقه مثل پارک پردیس انجام می دهیم. با این روش تمرینات مانجه عمومی و آموزشی بیشتری می گیرید و اگر شهروندی در این باره سؤالی داشته باشد همکاران ما پاسخگو خواهند بود.

### ● از احیای قلبی تا اطفای حریق

کارشناس دوام ثامن منطقه ۲ در توضیح بیشتر افزود: تمریناتی که برای آمادگی بیشتر نیروهای داوطلب دوام ثامن انجام می شود شامل مراحل گوناگونی است که همه در ذیل طرح پاتوق چادرزنی اجرامی شود. او ادامه داد: در عملیات امداد و نجات، مرحله اول برپا کردن چادر امداد و نجات هلال احمر است. شما بعد از



نقابت می افزود: تعدادی از کلاس ها نیز مخصوص آموزش مادران خانواده است. چرم دوزی، شیرینی پزی، فتوشاپ، خیاطی، سفالگری و بافتنی از این نوع هستند که تعدادی تشکیل و در حال برگزاری هستند.

او در باره هزینه کلاس ها نیز می گوید: هزینه ها بسیار مناسب و در کمترین سطح ممکن قرار دارد. همچنین کلاس های روخوانی قرآن را برای کودکان هفت تا سیزده ساله (پسر و دختر) داریم که رایگان برگزار می کنیم.

### ● برگزاری مشاوره های خانوادگی

مدیر فرهنگ سرای انتظار با اشاره به فعالیت های فرهنگ سراد در حوزه اجتماعی و خانواده ادامه می دهد: یکشنبه های هر هفته مشاوره خانوادگی رایگان را با حضور کارشناس خانواده داریم خانواده های توانمند برای گرفتن نوبت با فرهنگ سرهماهنگ کنند. پنجشنبه ها نیز مشاوره ویژه دختران جوان بین ۱۳ تا ۱۸ سال را در قالب طرح کرامت داریم. سه شنبه ها نیز کلاس مشاوره مذهبی با عنوان پاتوق زندگی داریم که عموم خانواده ها می توانند در آن شرکت کنند.

حسین برادران فرا فرهنگ سرای انتظار مانند هر ساله در فصل تابستان برنامه های مختلفی را برای رده سنی کودک و نوجوان و خانواده ها پیشان برگزار می کند. مدیر فرهنگ سرای انتظار از این برنامه ها برپیمان می گوید.

### ● کلاس های ویژه مادران و کودکان

به گفته حسین نقابت بر اساس تعریف سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مشهد ۵۰ عنوان کلاس آموزشی و فرهنگی برای فرهنگ سراهای شهر تعریف شده است که بر اساس ظرفیت کلاس ها، مربی های مورد نیاز و تقاضای شهروندان در هر فرهنگ سرا به یک شکل تشکیل می شود.

او ادامه می دهد: در فرهنگ سرای انتظار برای دوره تابستانه حداقل ظرفیت تشکیل هر کلاس ۸ تا ۱۰ نفر است و در صورت افزایش متقاضی تعداد کلاس ها بیشتر می شود. در این زمینه خانواده و دانش آموزان محور تشکیل کلاس ها هستند. او در باره کلاس های ویژه کودکان و نوجوانان می گوید: این کلاس ها شامل نقاشی، خوش نویسی، آموزش زبان انگلیسی، ریاضی و... است.

فرهنگ سرای انتظار در محله کلاهدوز ویژه برنامه های تابستانه اش را با محوریت خانواده برگزار می کند

## از مشاوره خانواده تا آموزش به زنان سرپرست خانوار

● آموزش به زنان سرپرست خانوار او ادامه می دهد: همچنین در حوزه اشتغال زایی و آموزش برای زنان بی سرپرست و بدسرپرست کلاس آموزشی مثبت زندگی در باره کسب مهارت های ثروت ساز را برگزار می کنیم. یکی دیگر از برنامه های مادر حوزه فرهنگی طرح دوشنبه های شهادتی است هر هفته به همراه تعدادی از مسئولان و کارشناسان فرهنگ سر برنامه دیدار با یکی از خانواده های شهید محله را داریم. ساعتی را با آن ها هستیم و به درد دل های آن ها و مشکلاتشان گوش داده و تاجایی که بتوانیم سعی خواهیم کرد این دغدغه ها را برطرف کنیم.



مهدی بقایی و زهره جوانمرد ۱۰ سال پیش زندگی مشترکشان را خیلی بی‌ریا شروع کردند

# عروسی به سبک سادگی

## خواستگاری در اردوی دانشجویی

می‌خواهید با هم ازدواج کنید. (بلند بلند می‌خندد).  
آنطور که مهدی می‌گوید عاشق جذب و جدیت زهره شده است. ماجرای خواستگاری اش از زهره هم شنیدنی است: «در اردوی طرح ولایت که در سال ۱۳۹۰ برگزار شد ۱۰ روز با هم در ارتباط بودیم. دانشجویان بسیجی دانشگاه علمی کاربردی را برای دوره‌های عقیدتی و سیاسی به دانشگاه فردوسی برده بودیم. همه این ۱۰ روز آقایان در خوابگاه جداگانه‌ای بودند ولی بالأخره با هم سرم چون قائم مقام بخش خاوران بود و در روز می‌شدیم شب هادر خوابگاه. دوستانم دوره‌ام می‌کردند که چرا ازدواج نمی‌کنم. سنم بالا رفته و حتی زهره را پیشنهاد می‌دادند. من هم از قبل رفتارهایش را دیده بودم و انگار دنبال موقعیت بودم که با صحبت‌های دوستانم حاصل شد. با جناب کنونی ام. مهدی یآوری. آن موقع و حانای ای بود که به دانشجویان مشاوره می‌داد. در همان اردو با خود رویش تیبانی به سازمان بسیج دانشجویی رفته که یآوری انجامشغل به کار بود. موضوع خواستگاری را مطرح کردم و شماره منزل زهره را از یآوری گرفتم. فوری به مادرم زنگ زدم و شماره را دادم.»

زهره اینجای ماجرا بحث را به دست می‌گیرد: «مادرم تماس گرفت و گفت مادر آقای بقایی تماس گرفته است و برای خواستگاری وقت می‌خواهد. ماه رمضان نزدیک است عجله دارند. با تعجب پرسیدم کدام بقایی و گفت همان همکلاسی ات که الان باشم مادر اردو است. آن شب بنا بود دانشجویان را به حرم ببریم از خجالت سوار خودرویی که مهدی در آن بودنشدم.»

از پله‌های آپارتمان قدیمی ساز در خیابان عطار بالامی روم. در طبقه دوم این ساختمان زهره خانم و محمد طاهای پسرش انتظار را می‌کشند. مهدی بقایی هم بعد از چند دقیقه به جمعمان ملحق می‌شود. از شربت خیار و سکنجبینی که زهره خانم جلوی می‌گذارد. معلوم است این خانم کارمند در هنر خانه داری هم کم ندارد.  
مهدی بقایی متولد فروردین ۱۳۶۰ است فقط هفت ماه با زهره اختلاف سنی دارد. او با همسرش در تشکل دانشجویی آشنا می‌شود. آن‌ها چند باری بر سر مسائل مختلف تشکل، بحثشان شده بود. مهدی آقا می‌گوید: زهره، قائم مقام بسیج خاوران دانشگاه علمی کاربردی حوزه امام حسن مجتبی (ع) بود و من مسئول تشکل هر دو می‌مانم. قطع کارشناسی مان ناپیوسته بود. در مقطع فوق دیپلم دانش آموخته شده بودیم و هر کدام جایی مشغول کار بودیم. دوباره کنکور شرکت کردیم و در یک دانشگاه برای مقطع لیسانس قبول شدیم. تا اینجای ماجرا که هم رانمی شناختیم. ولی وقتی زهره را در بسیج دیدم متوجه شدم چقدر جدی و باوقار است. دوسه بار باید تصمیماتی برای دانشجویانم گرفتم که او هم باید نظر می‌داد. به دلایل مختلف بدون مشورت تصمیم‌نهایی می‌گرفتم. همین موضوع باعث عصبانیت زهره می‌شد. آن قدر یک بار بحثمان جدی شد که همه خیردار شدند. وقتی از همسرم خواستگاری کردم اطرافیان می‌گفتند مگر شما دیوانه‌ای که با این اختلاف فکری

محبوبه فرامرزی ادونفر آدم جدی در بسیج دانشجویی مدام با هم به مشکل بر می‌خورند و بحث پشت بحث بینشان پیش می‌آید. وقتی خبر خواستگاری مهدی از زهره در بین دانشجویان پیچید همه انگشت به دهن مانده بودند. بعضی‌ها به طعنه به آن‌ها می‌گفتند مگر عقلمان کم شده است که با این همه اختلاف قصد ازدواج با هم را دارید. آن دودر بین همین بگو مگوها همدیگر را شناختند و فهمیدند اتفاقاً به دردم می‌خورند.

این زوج بدون بریز و پیاش و خرج اضافه، سر زندگی شان رفتند و آن قدر به این ساده‌زیستی ایمان دارند که حالا وقتی از زهره جوانمرد می‌پرسیم پشیمان نیست که مانند خیلی از عروس‌ها، مجلس مجلل و پرهنرینه‌ای نداشته است. با اطمینان می‌گوید اگر چند بار دیگر به عقب برگردد، باز هم به همین شیوه زندگی اش را شروع خواهد کرد.

زندگی زهره جوانمرد و مهدی بقایی با عشق ادامه دارد و حالا محمد طاهای چهار ساله شیرینی زندگی شان را دوچندان کرده است. شاهد این خوشبختی نگاه‌های پر مهری است که بینشان رد و بدل می‌شود. این زوج ساکن محله سعدآباد هستند و در خیابان عطار ساکن اند.

## آشنا از آب درآمدیم

از دو که تمام می‌شود مادر مهدی به خواستگاری زهره می‌رود. وقتی مادر عروس و داماد هم‌رامی بینند فوری همدیگر را می‌شناسند. آن‌ها دوستان دوره کودکی هم بوده‌اند و هر دو در روستای بقمج در اطراف چناران همسایه بوده‌اند و اقوام همدیگر را خوب می‌شناختند. مهدی بقایی بالبخندمی گوید کل خواستگاری ما به خاطر تعریف کردن مرحوم مادر زهره و مادرم گذشت. نکته جالب خواستگاری ما این بود که شب‌ها با هم در مجلس خواستگاری از هر دری حرف می‌زدیم و روزها در دانشگاه در واحد بسیج کاملاً جدی در جلسات حاضر می‌شدیم. در خواستگاری هم در باره جزئیاتی حرف می‌زدیم که نمی‌دانستیم، و گرنه کلیات همدیگر مانند خانواده‌ها اصل و نسبمان که آشنا از کار درآمد. مثلاً حتی در باره تعداد فرزندان با هم حرف زدیم که چهار یا پنج بچه داشته باشیم. (هر دو به هم نگاه می‌کنند و می‌خندند و به هم می‌گویند حالا در یک فرزند متوقف شده ایم). اول ماه مبارک خواستگاری و گفت و گوها شروع شده و ۱۵ ماه مبارک روز میلاد امام حسن (ع) هم عقد زهره و مهدی جاری می‌شود.







### ● حتی سرویس چینی نخریدم

برای مراسم عقد، زهره به آرایشگاهی محلی می‌رود و لباس عروسی را از دوستش قرض می‌گیرد. مراسم هم که خودمانی هادر آن شرکت کرده بودند به صرف میوه و شیرینی بوده است. زهره شرایط همسرش را در کمی کرده و می‌دانسته الان هر هزینه اضافه‌ای که به او تحمیل کند خودش باید جورش را در زندگی زناشویی بپس دادن قرض و قسط بکشد؛ برای جهیزیه فقط ضرورتاً خریدم. مثلاً سرویس چینی نخریدم، رفته یک دست خورشت خوری، یک دست برنج خوری و پیش دستی خریدم. تفاوت قیمت سرویسی که پسر از لوازمی مصرف بود با خریدتکه‌ای بیش از ۲۵۰ هزار تومان بود. برای پلاستیکی هاهم همین کار را کردم. سرویس نخریدم. یک فرش ۱۲ متری، یک یخچال ایرانی ساده، گاز ساده و لوازم ضروری لوازم‌همی بود که خریدم. یک تلویزیون ۲۹ اینچ هم خانواده همسرم روز یکشنبه ما دادند. این میل و لوازمی را هم که می‌بینید طی این سال هارا آرام خریده ایم.»

آن هاهفت ماهه در عقد ماندند و بعد بدون گرفتن مراسم به سر زندگی شان رفتند.

مهدی اینجای ما چرا ابرایمان تعریف می‌کند: ما هم می‌توانستیم وام ازدواجمان را بانک نگذاریم و با پولش وام بگیریم و مسکن مهر ثبت نام کنیم و مراسم بزرگی بگیریم. اما خانواده ام و خانواده همسر که روی هم ۲۵ نفر بودند دور هم شام خوردند و دست زهره را گرفتند و به سر زندگی مان آمدیم.

### ● اگر صدار متولد شوم

زهره باطمینان می‌گوید که هیچ وقت از اینکه مراسم پرزرق و برق و برقی نگرفته است ناراحت نیست. چون حرف مردم برایش اهمیتی ندارد و همیشه یاد گرفته آن کاری را که از نظرش درست است انجام دهد و حرف مردم را فقط بشنود: «چند روز پیش با جاری ام سر همین مسائل حرف می‌زدیم و به او گفتم اگر صدار دیگر به دنیا بیایم یا به گذشته برگردم باز هم با همین سبک زندگی می‌کنم. بارها در زندگی ام در شرایط بی پولی طلافروخته ام. در به بند مال دنیا نیستم.»

زهره می‌گوید هیچ وقت از اینکه مراسم پرزرق و برقی نگرفته ناراحت نیست چون حرف مردم برایش اهمیتی ندارد

### ● مادرم مثل یک مرد زندگی را می‌چرخاند

زهره هم متولد ۱۳۶۰ است. آن طور که زهره می‌گوید مادرش الگوی آن هادر ساده زیستی بوده است: «پدرم همیشه جبهه بود. گاهی آن قدر از جبهه دیر برمی‌گشت که من و خواهرم که اختلاف سنی کمی داریم موقع برگشتنش از او خجالت می‌کشیدیم و خودمان را قائم می‌کردیم که با ما روبروسی نکنند. مادر زهره، نبود همسر همه امور را طوری اداره می‌کرد که کمبود مرد خانه احساس نشود. خاطر هست چاه توی حیاط نشست کرده بود احتمال داشت فروکش کند. مادرم کمکی نداشت. در فامیل هم او را سرزنش می‌کردند که چرا اجازه می‌دهد همسرش با چهار بچه قند و نیم قنده جبهه برود. مادر برای اینکه سرزنش نشود از کسی کمک نخواست خودش از صبح رفت داخل حیاط و به ما اجازه نداد از خانه خارج شویم. داخل چاه رفت و دور چینی چاه را خودش تنها انجام داد. کارش که تمام شد برای موز، اییک کردن حیاط بنایی را آورد که یکی از همسایه هایمان بود. مرد همسایه به ما دم گفت به آن بنایی که دیوار چینی چاه را انجام داده می‌گفتید کار را تمام کند و در چاه را ببندد و موز، اییک کاری حیاط را هم خودش انجام بدهد وقتی مادرم گفت خودم چاه را دیوار چینی کرده ام آقای همسایه باورش نمی‌شد. این مادرم بود که به ما یاد داد روی پای خودمان بایستیم و وابسته کسی نباشیم. همیشه می‌گفت پولی را که می‌خواهم خرج فلان کار کنم که از دست خودم برمی‌آید، پس انداز می‌کنم یا جای واجب تری هزینه می‌کنم.»

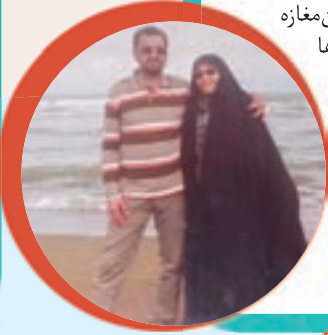


### ● یکی را می‌خرید دو تا را می‌دوخت

زهره مادری داشته است که قناعت را با رفتارش به فرزندانش خوب آموخته است: «خاطر هست عروسی یکی از اقوام بود. مادرم نصفه و نیمه خیاطی بلد بود. برای اینکه از سر و ته هزینه های خانه کم کند لباس هایمان را خودش می‌دوخت. برای عروسی فامیل مان مادرم به بازار رفت برای یکی از خواهرهایم پیراهنی خرید. آن پیراهن را در خانه شکافت. الگویش را یاد گرفت و برای من و خواهر دیگرم از روی همان پیراهن بازاری لباس دوخت. مامی دیدیم مادرم چطور رفتار می‌کند به خاطر همین خواه ناخواه تحت تاثیر تربیتش رفتارمان شکل می‌گرفت.»

### ● چای بی قند

پدر زهره فرش فروش بنامی بود که در خیابان خسروی مغازه داشت. جنگ که شروع شد مغازه را بست و به جبهه رفت. دیگر هم آن مغازه کرکزه اش با لارفت. زندگی اعیانی خانواده ناگهان با شروع جنگ باسادی و قناعت گره خورد: «مادرم برای اینکه به ما بچه ها یاد دهد درباره مسائل مهم اجتماعی مانند جنگ بی توجه نباشیم، گفته بود اگر قند نخوریم و آن را به جبهه بفرستیم پول توجیبی هفتگی خوبی به ما می‌دهد. ما چایمان را خالی می‌خوردیم و قندها را توی یک جعبه می‌ریختیم. طوری که آخر هفته کارتن پر از قند می‌شد. مادرم آن را به جبهه می‌فرستاد و پول توجیبی مان را که پنجاه تومان بود به ما می‌داد. الان که فکر می‌کنم می‌بینم شاید آن پنجاه تومان از پول قند هم بیشتر بود اما از ما فرزندان قانع و حساس به اجتماع می‌ساخت. طوری که هر جامی رفتیم با افتخار می‌گفتمیم ما قند نمی‌خوریم و آن را به جبهه می‌فرستیم. تلویزیون که کمک های مردمی را نشان می‌داد یک کارتن قند که می‌دیدیم با خوشحالی می‌گفتمیم حتما قندهای خانه ما است که به جبهه رفته و زنده ها با آن چایشان را شیرین می‌خورند.»



### ● جهاز کشون برایمان معنی ندارد

مادر زهره از مخالفان سرسخت مجالسی مانند جهاز کشون بود. طوری که در طول زندگی اش نه به این مراسم می‌رفت و نه برای بچه هایش چنین مجالسی ترتیب داد: «مادرم می‌گفت جهیزیه به هدیه خانواده عروس است. هر چه داده اند لطف کرده اند. عروس و داماد خودشان وقتی رفتند سر زندگی شان آرام آرام هر چه خواستند تهیه می‌کنند. این طوری لذت بیشتری هم از زندگی می‌برند و قدرش را هم بیشتر می‌دانند. اصلاً این طور مراسم ها باعث اختلاف و چشم و هم چشمی می‌شود. برای اقوام درجه یکش هم که جهاز کشون دعوت می‌شد نمی‌رفت. همیشه می‌گفت: «چرا باید مردم بیایند و وسایل زندگی یک نفر دیگر را دید بزنند. آن ها حتی در خصوصی ترین لوازم عروس و داماد سرک می‌کشند این کار معنادار نیست. این طور سنت ها را باید خودمان از بین ببریم. باید از خودمان شروع کنیم.»

### ● اولین ازدواج خانواده در کمال سادگی

زهره اول دبیرستان بوده است که برادر بزرگش در بیست سالگی ازدواج می‌کند: «برادرم طلبه بود و وقتی برایش خواستگاری رفتند را خوب در خاطر دارم. همسرش ۱۸ سال داشت و تنها دختر یک خانواده هفت پسر بود. با این حال خانواده عروس هیچ اصاری به برگزاری مجلس آنچنانی و مهریه فلان سکه ای نداشتند. برادرهای عروس مان دکتر و وکیل و مهندس بودند اما می‌گفتند خواهرمان زندگی با یک طلبه را انتخاب کرده است به این شیوه انتخابش احترام می‌گذاریم. برای همین با برگزاری مجلس ساده موافقت کردند. مهریه شان ۱۴ سکه بود و بدون اینکه خود رویی گل بزنند و مراسم شان شلوغ باشد ازدواج کردند. مجلسشان به صرف عصرانه بود و پذیرایی شام نداشتند. حالا برادرم و همسرش چهار فرزند دارند و دختر بزرگشان را هم عروس کرده اند و نوه دوساله ای دارند.»



### ● آرزوی لباس عروس پفی نداشتم

مادر زهره پنج سال پیش به رحمت خدارفته و دخترش حالا با افتخار از زنی حرف می‌زند که آرامش زندگی اش را به او می‌دهد: «مادرم طوری ما را آوار کرده بود که آرزوی پوشیدن لباس پفی عروس نداشتم. در فکر مان این موضوع نهادینه شده بود که با پدری زندگی اطرافیان تاثیر مثبت داشته باشیم. ما از همان قندهایی که برای جبهه جمع می‌کردیم این موضوع را خوب یاد گرفتیم. برای همین مانند بعضی دخترهای هم سن و سال خودم برای پوشیدن لباس عروس دلم قنچ نمی‌رفت. هدفم از ازدواج رسیدن به آرامش بود که باید در زمان درستش اتفاق می‌افتاد. خواهر بزرگم سال ۱۸ ازدواج کرد. خودش طلبه بود و خواستگارش هم طلبه. خاطر هست مجلسشان در خانه برگزار شد و تعداد میهمان ها از دو طرف به پنجاه نفر نمی‌رسید.»

### ● پذیرایی با سبب زمینی

زهره از مراسمی می‌گوید که در خانه شان برگزار شد و خانواده رزمندگان در آن شرکت کردند: «من هنوز سن و سالی نداشتم اما خاطر هست خانواده رزمنده ها که دوستان پدرم بودند در منزل ما برای دعای کمیل جمع شدند. مادرم نگفت زشت است و بار اول است به منزل ما می‌آیند و آبرویمان می‌رود. برایشان سبب زمینی و تخم مرغ آب پز درست کرد و سفره ساده ای چید. این موضوع ربطی به جنگ و فضای ساده زیستی آن موقع نداشت چون بعد از جنگ هم سفره ای در خانه ما پهن نمی‌شد که دو جور غذا در آن دیده شود. عروس و داماد هم که به خانه مان دعوت می‌شدند همین بساط بود.»

در مسیر برگشت به آن پسرزن فامیل مان فکر می‌کردم که می‌گفت ازدواج هندوانه سر بسته است. چطور برخی برای آن هندوانه این قدر بریز و به پاش می‌کنند و دست آخر می‌فهمند آن قدرها که باید در زندگی مشترکشان خوشحال نیستند.

ابوالقاسم جوان با ۶۲ سال کار در عینک‌سازی یکی از قدیمی‌های این رشته در مشهد است

# ویرینی زیبا برای چشم‌ها

منطقه

۱



تصویر عکس: رسول کارگر/شهر آرا

می‌دهد و می‌گوید: بهترین برندهای عینک متعلق به کشور ایتالیا بود و هنوز هم هست. بعد از کشور ایتالیا بهترین عینک‌ها متعلق به کشور آلمان بود اما باز هم از لحاظ کیفیت و خوش فرمی به پای عینک‌های ایتالیایی نمی‌رسید. عینک‌فروشی آسیا قدیمی‌ترین و مشهورترین عینک‌سازی در محدوده باغ ملی بود و زمانی که من در آن شاگردی می‌کردم افراد سرشناس شهر از فرماندار گرفته تا استاندار و چهره‌های معروف سیاسی از مشتری‌های همیشگی عینک‌فروشی آسیا بودند. حتی خانواده حاج حسین ملک نیز برای تعمیر یا خرید عینک‌های خود به این مغازه می‌آمدند.

## ● عینک‌فروشی رونق گذشته را ندارد

ابوالقاسم جوان بعد از چند سال شاگردی با گرفتن پروانه کسب در سال ۱۳۶۲ کار خودش را به عنوان عینک‌ساز شروع می‌کند. بعد از ۱۶ سال کار در مغازه عینک‌فروشی (آسیا) و یاد گرفتن چم و خم عینک‌سازی و تعمیر عینک، بالاخره مغازه خود را راه انداختم. شماره پروانه کسب من ۲۱ است که نشان می‌دهد بیست و یکمین نفری هستم که پروانه کسب شغل عینک‌سازی را گرفته‌ام. به دلیل حسن شهرتی که از گذشته و زمان کار در مغازه عینک‌سازی آسیا داشتم خیلی زود مشتری‌های خود را پیدا کردم. در آن سال‌ها قیمت یک عینک ۲۵ تومان و هزینه تعمیر عینک پنج قران تا یک تومان بود. چون در تراشیدن عدسی عینک مهارت زیادی داشتم

حسین برادران فرابه گفته عینک‌ساز قدیمی محله کلاهدوز عینک‌فروشی یا عینک‌سازی یکی از مشاغل مدرن و وارداتی اروپایی است. شاید راه‌اندازی مغازه‌های عینک‌فروشی در مشهد به یک قرن هم نرسد. هنوز هم نسل عینک‌فروشان قدیمی‌رامی‌توان در گوشه و کنار شهر دید. ابوالقاسم جوان یکی از این عینک‌سازان قدیمی شهر است.

## ● شاگردی در مشهورترین عینک‌فروشی مشهد

عینک‌فروشی در واقع شغل خانوادگی «جوان» است. سه برادر این خانواده از پیشگامان عینک‌سازی مشهد هستند. ابوالقاسم جوان یکی از این برادرهاست که ساکن محله کلاهدوز است. او که متولد سال ۱۳۲۹ است، در باره پیشینه‌اش می‌گوید: پدرم کشاورز بود. بعد از کوچ خانواده از روستا و سکونت در شهر (محله کلاهدوز) من و دو برادرم (محمد رضا و احمد) از دوران نوجوانی به دنبال انتخاب شغل بودیم و عجیب اینکه هر سه نفرمان چون به شغل عینک‌فروشی علاقه داشتیم در فاصله چند سال، شاگردی در مغازه عینک‌سازی را شروع کردیم. من ده ساله بودم که در عینک‌سازی آسیا، در خیابان چهار طبقه، مشغول به کار شدم. در مدت کوتاهی که شاگرد بودم با فوت و فن تراش و ساخت عدسی، تعمیرات و انواع برندهای مشهور عینک آشنا شدم. جوان چند عینک در مدل‌های مختلف را نشانم

روزها کارم فقط در حد تعمیرات جزئی عینک و فروش عینک‌های طبی و آفتابی به تک و توک مشتری‌هایی است که هنوز باقی مانده‌اند. البته افزایش قیمت‌ها هم تأثیر گذاشته است. امروز هزینه خرید یک عینک (طبی) خوب بین سه تا ده میلیون تومان است با این قیمت‌ها دیگر کسی جرئت خرید عینک را ندارد. نتیجه‌اش استفاده از عینک‌های نامرغوب و ارزان‌تر است. عینک‌هایی که نه تنها ضعیف بودن چشم را کنترل نمی‌کند باعث بدتر شدن وضعیت بینایی هم می‌شود و این خیلی خطرناک است.

مشتری‌هایی که سخت‌پسند بودند به مغازه‌ام می‌آمدند. ساخت عینک‌های سفارشی درآمد خوبی داشت و پولی که به دست می‌آوردم بیشتر از پول یک تومان و پنج قران تعمیرات معمولی عینک بود. البته خیلی وقت‌ها که مشتری‌ها پول کافی نداشتند تعمیر عینک را رایگان انجام می‌دادم. بعد از چند سال باره اندازی مغازه‌های عینک‌سازی و عینک‌فروشی جدید در همه نقاط شهر مشتری‌های ماهم کمتر و کمتر شدند با افزایش سن و کم شدن نور چشمانم توانایی تراش عدسی و ساخت عینک را نیز از دست دادم. این

## ساخت عینک برای مر حوم ملک

جوان خاطره‌ای از ساخت عینک برای حاج حسین آقا ملک، واقف بزرگ مشهد، دارد. من در تراش عدسی عینک مهارت خاصی داشتم به همین دلیل ساخت و تراش عدسی عینک‌های لوکس و شیک بر عهده‌ام بود. یک روز آقای میانسالی به مغازه ما آمد و خودش را برادر حاج حسین ملک معرفی کرد. او به استادم گفت: یک عینک خوب، شیک و بادوام برای برادرم می‌خواهم. بعد از نگاه به ویرینی مغازه، عینک مورد نظرش را پیدا نکرد و به استادم گفت: یک عینک خوب برای برادرم بسازد. در واقع فقط عدسی عینک را می‌تراشیدیم دسته و دیگر تجهیزات آن وارداتی بود. استادم من را نشان داد و گفت: این پسر جوان بهترین استاد تراش عدسی عینک شهر است. برادر حسین ملک رو به من کرد و گفت: ببینم چه کار می‌کنی. عینک را برایش ساختم و تحویلش دادم. چند روز بعد به مغازه ما آمد و بعد از کلی تعریف و تمجید رو به من کرد و گفت: برادرم از عینکی که ساخته بودی خیلی خوشش آمد و پول اضافه‌ای را به عنوان هدیه به من داد تا به تو بدهم.

## مد شدن عینک‌های آفتابی

یکی از انواع عینک که این روزها بیشتر در فصل گرم و تابستان استفاده می‌شود عینک آفتابی است. استفاده از این عینک در مشهد به دهه ۳۰ بازمی‌گردد. جوان می‌گوید: بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ خارجی‌ها به عنوان گردشگر یا مستشار سیاسی و نظامی به مشهد رفت و آمد داشتند. بیشتر این خارجی‌ها عینک‌های تیره آفتابی به چشم می‌زدند. مشهدی‌های متجدد و نیروهای اداره‌های دولتی به تقلید از آن‌ها جزو اولین استفاده‌کنندگان عینک‌های آفتابی بودند از همین زمان استفاده از عینک آفتابی رایج و مرسوم شد. خرید عینک در تابستان به حدی زیاد بود که در فصل تابستان روزی ۴۰ تا ۵۰ عینک آفتابی می‌فروختم. یک روز ۱۲ عینک آفتابی بچه‌گانه فروختم. عینک‌های آفتابی به تدریج مدل‌های متنوعی پیدا کرد بیشتر جوانان دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ حداقل یک عینک با عینک آفتابی دارند و به عنوان بهترین عکس عمرشان از آن یاد می‌کنند.

مشهدی‌های متجدد و نیروهای اداره‌های دولتی به تقلید از خارجی‌ها، جزو اولین استفاده‌کنندگان عینک‌های آفتابی بودند





گفت‌وگو با نوجوان  
دارنده مدال قهرمانی استانی کیوکوشین در محله نوده

## دلتم می خواهد افتخار محله باشم



امید  
محله

حسین برادران فرمسجد

موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> واقع در

بولوار هدایت یکی از مساجد

فعال در حوزه مذهبی، فرهنگی و

آموزشی است. در زمینه فعالیت های

تابستانی و اوقات فراغت دانش آموزان محله

نیز برنامه های خوبی را اجرا کرده است. برای

آگاهی بیشتر با فعالیت های اوقات فراغت مسجد

موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> با علی بسیار، عضو هیئت امناء و مسئول

پایگاه بسیج مسجد گفت و گو کردیم.

### کلاس های آموزشی اوقات فراغت

علی بسیار در این باره گفت: مسجد موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> هر سال برنامه ها و کلاس های آموزشی، فرهنگی و ورزشی را برای اوقات فراغت دانش آموزان و بچه های محله داشته است. امسال نیز کلاس های آموزش احکام و عقاید برای نوجوان های ۱۲ تا ۱۵ سال محله داریم. در این کلاس ها کارشناس مذهبی به سوالات و شبهات دینی که ممکن است برای نوجوان ها پیش بیاید پاسخ می دهد. روحانی، مفهوم و تلاوت صحیح آیات قرآن از این برنامه هاست. کلاس های آموزش فوتسال و مکالمه زبان انگلیسی نیز برقرار است. معلمان این کلاس ها بیشتر از فعالان پایگاه بسیج مسجد و ظرفیت های محله هستند و کمترین هزینه ممکن را از دانش آموزان دریافت می کنند. او همچنین از کلاس های مشاوره با عنوان طرح خانواده بهشتی یاد کرد و توضیح داد: خانواده ها می توانند از طریق هماهنگی انجام شده با کارشناس مشاوره و نشست عمومی و خصوصی داشته باشند و مشکلات مختلف خود در حوزه همسرداری، تربیت فرزندان و دیگر موارد مطرح کرده و راه حل دریافت کنند. در کنار این کلاس ها برنامه های تفریحی، استخر و گردشگری را نیز خواهیم داشت.

### برگزاری کلاس های مهارت های شغلی

سیار در ادامه بیان کرد: در کلاس های تابستانی اوقات فراغت امسال طرح مهارت آموزی شغلی را داریم. این طرح نیز در راستای استفاده از ظرفیت های محلی است. ما از کسبه محله خواهش کردیم در کلاس مهارت آموزی شغلی حاضر شوند اطلاعات کاربردی و عمومی درباره شغل خود را در اختیار نوجوان های پسر قرار دهند. درباره درآمد و بازار کار و دیگر خرده کاری های هر شغل نیز بحث و تبادل نظر می شود. نوجوان های پسر شرکت کننده در این کلاس ها که در واقع مردان آینده بازار کار جامعه هستند با استفاده از اطلاعاتی که دارند با انتخاب بهتر و آگاه تری می توانند شغل ورشته تحصیلی آینده خود را انتخاب کنند. او در ادامه گفت: علاوه بر این کلاس آموزشی تعمیرات گوشی همراه را برای نوجوانان محله داریم. در این جلسات بچه ها با اطلاعات کلی درباره تعمیر گوشی آشنا خواهند شد و با استفاده از مهارت به دست آمده می توانند بخشی از تعمیرات گوشی همراه را در خانه و بدون رفتن پیش تعمیرکار انجام دهند.

### دیدار از خانواده شهدا

مسئول پایگاه بسیج مسجد موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> با اشاره به برنامه دیدار با خانواده شهدای محله گفت: دو سال است که این برنامه در حال اجراست. هر ماه اعضای پایگاه بسیج و هیئت امناء مسجد به دیدار یکی از خانواده های شهدای محله می روند. ساعتی رایای صحبت های آن هاست نشینند و جوایای احوالشان هستند بعد از آن هم به رسم یاد بود هدیه ای تقدیم خواهد شد. در کنار دیدار حضوری هر چهل روز یاد و ماه تماس تلفنی با خانواده شهدا گرفته و جوایای احوال و اوضاع آن ها هستیم و در صورتی که مشکلی داشته باشند بر طرف خواهیم کرد. لازم به ذکر است این طرح برکات زیادی برای ما و اهالی محله داشته است.

حسین برادران فرابرای اولین بار زمانی که همراه پدر به مسجد محله می رود به طور اتفاقی با فضای باشگاهی مسجد آشنا می شود. علیرضایضا می متولد سال ۱۳۸۸ و ساکن خیابان کوشک مهدی در محله نوده است. او در باره آشنایی اش با فضای ورزشی مسجد می گوید: صداهای گنگ و نامفهومی را از فضای زیر زمین مسجد محله می شنیدم. منتظر شدم که پدرم برای خواندن نماز برود و من به زیر زمین مسجد بروم. در فضای باز زیر زمین مسجد کودکان هم سن و سال خودم و نوجوانانی را دیدم که مشغول تمرین های ورزشی بودند چند دقیقه با تعجب ایستاده بودم و به آن ها نگاه می کردم. مربی باشگاه با روی گشاده به طرفم آمد و گفت: بیا پسر. برای ثبت نام در کلاس ها آمده ای؟ با سرعت پله ها را بالا رفتم. نماز تمام شده بود دست پدرم را گرفتم و داخل زیر زمین آوردم و از او خواستم که نامم را در کلاس ها ثبت نام کند. با این اتفاق ساده ورزش کیوکوشین کاراته را سه سال قبل در باشگاه ورزشی مسجد و تحت مربیگری استاد ابوالفضل غلامی شروع کردم.

### کسب مقام قهرمانی استان

علیرضایضا ابتدا ورزش کاراته را شروع و بعد از مدتی به سبک کیوکوشین علاقه مندمی شود. او که جدیت و تلاش خاصی در انجام تمرینات داشته است به زودی نظر استادش را جلب می کند. در این سه سال همیشه تمام تمرکز و انرژی ام را سر کلاس روی تمرینات و حرف های استادم گذاشته ام و حتی بعد از اتمام کلاس نیز سوالاتی را که برایم پیش آمده است از او می پرسم. استادم آقای غلامی نیز با دقت و وسواس خاصی جواب می دهد. در خانه هم تمریناتم را ادامه می دهم. در این سه سال در چندین دوره مسابقات باشگاهی و استانی شرکت کرده ام و دو مقام استانی اول و سوم و چند مقام برتر باشگاهی دارم. تا امروز همه تلاشم را انجام داده ام تا بتوانم زحمات مربی ام را جبران کنم.

لیخند رضایت مربی از همه چیز برایش مهم تر است حتی از مدال طلا و قهرمانی. زمانی که برای اولین بار سه سال قبل در مسابقات استانی کیوکوشین شرکت و مقام سوم را به دست آورد به خودش قول داد که در مسابقات بعدی مقام قهرمانی را کسب و استادش را خوشحال کند: نتیجه تلاشم را گرفتم و مقام قهرمانی مسابقات استان را کسب کردم. حالا تمرینات فشرده ای انجام می دهم که بتوانم در مسابقات انتخابی کشور حاضر شوم. استاد غلامی زحمات زیادی برای من و سایر بچه های این محله محروم کشیده است. آموزش دادن و تمرین در یک باشگاه زیرزمینی که کمترین امکانات را دارد کار خیلی سختی است.

### آرزوی مربیگری در همین باشگاه و محله

علیرضایضا می که شاهد زحمات مربی و اشتیاق بچه های محله اش به ورزش است بزرگ ترین آرزویش را گرفتن مدرک مربیگری و آموزش دادن به بچه های همین محله محروم کوشک مهدی معرفی می کند. او می گوید: به دلیل فقر مالی خیلی از بچه های باشگاه با کمترین امکانات به تمرینات خود ادامه می دهند و به همین راضی هستند. اینکه شهری ای داشته باشند تا بتوانند در تمرینات باشگاه حاضر باشند برایشان کافی است. دنبال کفش و لباس نیستند. آرزویم این است که بتوانم افتخارات بیشتری در عرصه های ورزشی داخلی و بین المللی کسب کنم و برای محله ام افتخار آفرین باشم. همچنین می خواهم ورزش را ادامه بدهم و بعد از گرفتن مدرک مربیگری آموزش رایگان کودکان محله ام را در باشگاهی بهتر و با امکانات بیشتر برعهده بگیرم.

### عیانگاه

نوجوانان محله شفا  
این روزها اوقات فراغتشان را  
در مسجد موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> سپری می کنند

## تابستان پر و پیمان





### محلات منطقه ۲

۱: احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاده، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان (عج)، سعدآباد، شهید کلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکترا

۲: زرخش، مشهدقلی، نوچه، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، ایثارگران، شفا، قدس، حضرت ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت... عبادی، شهید فرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، حضرت عبدالمطلب، شفا، شهید مطهری، عامل، حسین باشی و کاشانی

مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر  
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی  
 دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد  
 دبیر شهرآرا محله منطقه ۲: محبوبه فرامرزی  
 تلفن شهرآرا محله منطقه ۱: ۳۸۴۸۱۵۷۱  
 تلفن شهرآرا محله منطقه ۲: ۳۷۱۲۷۵۶۷

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
 دفتر منطقه ۱: خیابان ابن سینا، تقاطع پاستور، طبقه اول ساختمان اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک،  
 دفتر شهرآرا محله منطقه ۲: میدان فهمیده، پارک پردیس، ساختمان اداره فضای سبز  
 پست الکترونیک: mahalle1@shahrara.ir  
 mahalle2@shahrara.ir  
 کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh  
 دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



## کوچه آب انبارها

در این کوچه هفت، هشت آب انبار وجود داشته که بعضی از این آب انبارها که با حدود سی، چهل پله به زیر زمین راه داشته در راسته راه و بعضی در دل خانه های اهالی بوده است. کوچه شهید ناصر نعمتی به کوچه رضوی ۱۳ منتهی می شود. کوچه ای که تا چهار دهه قبل جوی آب روانی در آن جاری بوده است.

فاطمه سیرجانی از سمت چهارراه خواجهر بیع به سمت میدان شهید، اولین کوچه سمت راست، کوچه عبادی ۱۲ است که به نام شهید ناصر نعمتی نام گذاری شده است. کوچه ای که پیش از دهه ۶۰ «یغما» نام گرفته بود. به گفته قدیمی های محل

## کوچه آیت ۱... عبادی ۱۲

منطقه ۲ - محله کاشانی



این مسجد تا قبل انقلاب اسلامی، به نام واقفش «کلالی» نام گذاری شده بود بعدها به نام جواد الائمه<sup>(ع)</sup> نام گذاری شد.



حسینیه تبریزی ها در انتهای کوچه در ماه های محرم و صفر پذیرای عزاداران حسینیه<sup>(ع)</sup> و زائران ترک زبان است. این حسینیه در سال ۱۳۷۶ تاسیس شده است.



در این معبر، خانه ای با سقف شیروانی و در و پنجره چوبی به چشم می خورد که یکی از آب انبارهای کوچه در کنار این خانه بوده است.

حسین کافی یکی از قدیمی های کوچه است که بیش از نیم قرن در این کوچه زندگی می کند. او یکی از خواننده های روزنامه شهرآرا است.

